

Understanding and analyzing the effects of political and social ties on the occurrence of emotional divorce: A phenomenological study

Zahra Aghajan¹

Received: 9 April 2023

Ali Rahmani Firouzjah^{2*}

Reception: 14 May 2023

Abolqasem Hyderabad³

Abstract

The purpose of the present study was to understand and analyze the effects of social ties in the incidence of emotional divorce in Babol city. The method of this study was qualitative and phenomenological. From among the married women referring to the counseling centers and health centers of Babol city, 18 people (the number has reached saturation) were selected by purposive sampling and a semi-structured interview was conducted with the participants. For the validity of the findings from the point of view of the experts, and for the reliability, the coding agreement coefficient was used, and its value was 0.92. Finally, the findings of the research were reported in the form of 9 main themes and 37 sub-themes. The main themes extracted are: lack of knowledge before marriage, adherence to religious beliefs, emotional interactions of couples, family involvement, drug and alcohol addiction, lack of knowledge of love making skills, order within the family, cultural differences, Poverty and economic pressure were obtained. The issues and problems caused by emotional divorce are directly reflected in the social issues and problems of the society and lead to a decrease in social cohesion and an increase in social damage, which shows the need for the constant presence of the family institution and its existential necessity.

Keywords: Social ties, Babylon, emotional divorce, political ties, phenomenology.

¹ phd student of cultural sociology, Babol branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

² Assistant Professor of Sociology, Associate Professor of Sociology Department, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran. (Responsible author).

³ Assistant Professor of Sociology, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

ادراک و تحلیل اثرات پیوندهای سیاسی و اجتماعی در بروز طلاق عاطفی: یک مطالعه پدیدار شناختی

زهرا آقاجانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰

علی رحمانی فیروزجاه^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

ابوالقاسم حیدرآبادی^۳.

چکیده

هدف پژوهش حاضر ادراک و تحلیل اثرات پیوندهای اجتماعی در بروز طلاق عاطفی در شهر بابل بود. روش این مطالعه به شیوه کیفی و پدیدارشناسی بود. از میان زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و خانه‌های سلامت شهر بابل ۱۸ نفر (تعداد به اشباع رسیده) به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و از شرکت‌کنندگان مصاحبه‌ای نیمه ساختار یافته انجام شد. برای روایی یافته‌ها از دیدگاه خبرگان و برای پایایی نیز از ضریب توافق کدگذاری استفاده شد که مقدار آن ۰/۹۲ حاصل شد. در نهایت یافته‌های پژوهش در قالب ۹ مضمون اصلی و ۳۷ مضمون فرعی گزارش شد. مضامین اصلی مستخرج عبارتند از: عدم شناخت کافی قبل از ازدواج، میزان پایبندی به اعتقادات دینی، تعاملات عاطفی زوجین، میزان دخالت خانواده، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، عدم شناخت مهارت‌های عشق ورزیدن، نظم درون خانواده، تفاوت‌های فرهنگی، فقر و فشار اقتصادی به دست آمد. مسائل و مشکلات ایجاد شده طلاق عاطفی به‌طور مستقیم در مسائل و مشکلات اجتماعی جامعه انعکاس می‌یابد و به کاهش انسجام اجتماعی و افزایش آسیب اجتماعی منجر می‌شود که این موضوع، لزوم حضور همیشگی نهاد خانواده و ضرورت وجودی آن را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: پیوندهای اجتماعی، شهر بابل، طلاق عاطفی، پیوندهای سیاسی،

پدیدار شناختی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. zaghajani266@gmail.com
^۲ استادیار جامعه‌شناسی، دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. (نویسنده مسئول).

a.rahmani@baboliu.ac.ir

^۳ استادیار جامعه‌شناسی، استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

Heidarabadi@baboliu.ac.ir

زن و شوهر با ازدواج اساس نهاد خانواده را بنا می‌گذارند، یعنی پیوندی که در آن زوجین متعهد می‌شوند وظایف عاطفی، اقتصادی، اجتماعی و تربیتی خویش را به‌طور متقابل انجام دهند (مصلاهی راد و ملکیان، ۱۴۰۲). هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم قادر نیست در خصوص سلامت ادعایی کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بدون تأثیرپذیری از خانواده پدید نیامده است (همت جو، ۱۴۰۳). یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است، اما آمار رسمی طلاق به‌طور کامل نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگ‌تر به طلاق‌های عاطفی^۱ اختصاص دارد، یعنی آنها باهم زندگی می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند (جلیلی، یاراحمدی و زندی، ۱۴۰۲). آمار رسمی طلاق، به‌طور کامل میزان ناکامی همسران را در زندگی زناشویی نشان نمی‌دهد؛ زیرا در کنار آن می‌شود به آماری بزرگ‌تر به نام طلاق‌های عاطفی، یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌های توخالی اشاره کرد که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند؛ اما از نظر قانونی تقاضای طلاق نمی‌کنند از این‌رو بررسی مسئله طلاق عاطفی از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است (صداقت و افراعی، ۱۴۰۱). پل یوهانان^۲ (۱۹۷۰) طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود (براون، مک لوت و گنزالس^۳، ۲۰۲۰). طلاق عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است؛ همسران به جای حمایت از همدیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل عزت نفس یکدیگر عمل می‌نمایند، و هر یک به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگری هستند (ابراهیمی و محمدلو، ۲۰۲۱). طلاق عاطفی، فاصله‌ی مشخص و آشکار میان همسرانی است که هر دو ناپخته‌اند، هرچند یکی از آنها ممکن است این ناپختگی را تأیید یا انکار کند. این نوع طلاق، نماد وجود مشکل در ارتباط سالم و صحیح بین زن و شوهر و نیز متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است (کرایبی، خالقی و شهبازی، ۱۴۰۰). از جمله پیامدها و چالش‌های طلاق عاطفی برای بزرگسالان و احتمال فراوان بروز اختلال منش، اضطراب، افسردگی،

¹ - Emotional divorce

² - Johanan Paul

³ - Brown, McIlwraith, & Gonzalez

بزهکاری و مشکلات مدرسه‌ای نیز از جمله پیامدهای آن برای نوجوانان است (نورجانا و سانیا تا^۴، ۲۰۲۰). اساساً طلاق عاطفی پیامدهایی منفی برای فرد و جامعه در پی دارد و مشکلات فراوانی برای زن و مرد ایجاد می‌نماید، به گونه‌ای که در شخصیت اعضای خانواده نوعی آشفتگی و بی‌سازمانی به وجود می‌آورد و کیفیت روابط خانواده را دچار تزلزل می‌کند (حسینی، ۱۴۰۲). مطالب گفته شده در واقع کیفیت روابط درون خانواده، نقش بسزایی در شکل‌گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی اعضای خانواده دارد و پایه و اساس روابط درون خانواده بر محور رابطه زن و شوهر استوار است (ناظمی زند و همکاران، ۱۴۰۲). طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباطی سالم و صحیح بین زن و شوهر است و این مشکل ارتباطی در سطح خانواده می‌تواند در جامعه نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل نماید (پارساکیا، رستمی و ساداتی، ۲۰۲۳). وقتی بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شود، بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده می‌شود از اینرو طلاق عاطفی بیش از طلاق قانونی بر فرزندان تاثیرگذار است به طوری که ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از طلاق عاطفی ایجاد می‌شود (مالوری^۵، ۲۰۲۲). طبق نتایج پژوهش‌های متعدد، آثار و عوارض منفی جسمی، روانی، اخلاقی و اجتماعی ناسازگاری زوجین برای زن و شوهر و فرزندان خانواده‌هایی که در آنها زوجین به‌طور رسمی از یکدیگر جدا نشده‌اند، بسیار بیشتر از خانواده‌هایی است که در آنها زوجین به‌طور رسمی از یکدیگر جدا شده‌اند (فلاح تفتی، ۱۴۰۲). از جمله پیامدهای طلاق عاطفی می‌توان به مواجهه زن با فشارها و مشکلات روحی مختلف، بی‌انگیزگی، بی‌حوصلگی و افسردگی و مواجهه فرزندان با مشکلات روحی و رفتاری گوناگون، از جمله اضطراب شدید، انزوا و گوشه‌گیری، پرخاشگری و افت تحصیلی اشاره کرد (صارمی، ۱۴۰۲). مصدق، پارساکیا، دربان^۶ (۱۴۰۲) در تحقیقی تحت عنوان نقش واسطه‌ای رضایت جنسی در رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی و طلاق عاطفی در مردان دریافتند نقش میانجی متغیر رضایت زناشویی در رابطه ویژگی‌های شخصیتی با طلاق عاطفی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بنابر آمار ثبت احوال کشور در سال ۱۴۰۲، از تعداد ۲۱۳۸۸۳ طلاق قطعی، تعداد ۱۱۳۷۳ از آن در استان مازندران ثبت شده است که بیشترین آن در

^۴ - Nurjanah & Sanyata

^۵ - Mallory

شهرستان بابل می باشد و از هر ۵ ازدواج، یکی منجر به طلاق شده است (سایت ثبت احوال کشور، اسفند ۱۴۰۲). با این وجود، آمار رسمی طلاق نیز به درستی نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن، آمار پنهان طلاق عاطفی یعنی زندگی‌های خاموش که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی کنند نیز وجود دارد که به طور نامحسوس، کارکردهای منفی بسیاری دارد. در واقع برخی از ازدواج ها که به مرحله طلاق رسمی نرسیده اند، به ازدواج های فاقد محتوایی تبدیل می شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با روند و جریان زندگی خانوادگی به پیش می روند در این حالت، طلاق عاطفی به عنوان انتخابی نفرت انگیز بین تسلیم و نفرت از خود تجربه می شود که در آن هریک از زن و شوهر، به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی، دیگری را آزار می دهد که این مسئله هم می توان بر روی سلامت روانی زوجین و هم سلامت روانی و افت تحصیلی فرزندان و نیز آسیب ها و نابسامانی های اجتماعی منجر شود. از اینرو پژوهش حاضر سعی دارد تا با یک مطالعه پدیدار شناسانه به تحلیل اثرات پیوندهای اجتماعی در بروز طلاق عاطفی بپردازد و به این سوال پاسخ دهد که پدیدار درک و معنای اثرات پیوندهای اجتماعی در بروز طلاق عاطفی در شهر بابل چگونه است؟

روش پژوهش

این پژوهش به شیوه کیفی و با روش پدیدار شناسی^۶ و با اتخاذ رویکرد اکتشافی برای کشف درک و معنای اثرات پیوندهای اجتماعی در بروز طلاق عاطفی در شهر بابل انجام شد. و برای گردآوری داده ها از فن مصاحبه عمیق^۷ نیمه ساختار یافته استفاده شد. به منظور انتخاب مشارکت کنندگان که به شیوه هدفمند انجام پذیرفت از سه ملاک شامل: الف) مردان و زنان متأهل یا دارای تجربه تأهل که سردی عاطفی در روابطشان را تأیید کردند، ب) زوج های ساکن شهر بابل، و ج) زوج هایی که دست کم دارای یک سال تجربه زندگی مشترک بودند، استفاده شد. در روش های کیفی، حجم نمونه مانند روش های کمی از پیش تعیین شده نیست و به روند پژوهش و مقالات در حال تکوین بستگی دارد. روش نمونه گیری در پژوهش های کیفی از نوع هدفمند است و حجم آن نیز به سطح شباه داده ها

^۶ - Phenomenology

^۷ - In – depth interview

بستگی دارد (صالحی، بازرگان، صادقی و شکوهی یکتا، ۱۳۹۴). در این پژوهش پس از انجام ۱۸ مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته با زنان و مردان متأهل یا دارای تجربه تأهل، اشباع نظری داده‌ها حاصل شد.

یافته‌ها

در ابتدا جدول جمعیت شناختی مربوط به مشارکت کنندگان در این پژوهش ارائه می‌گردد

جدول (۱): مشخصات مشارکت کنندگان در مصاحبه

درصد فراوانی	فراوانی	ابعاد	ویژگی‌های جمعیت شناختی
۳۳/۷	۷	مرد	جنسیت
۶۶/۳	۱۱	زن	
۱۹/۰	۴	۲۰-۳۰ سال	سن
۴۲/۹	۸	۳۱-۴۰ سال	
۳۸/۱	۷	۴۱ سال به بالا	
۲۴/۴	۲	دیپلم	تحصیلات
۲۶/۶	۶	کارشناسی	
۲۷/۳	۷	کارشناسی ارشد	
۲۱/۷	۳	دکتری	
۵۷/۴	۱۲	با فرزند	تعداد فرزند
۴۲/۶	۶	بدون فرزند	
۱۷/۳	۲	۵-۱	مدت تأهل
۱۹/۸	۴	۱۰-۵	
۲۴/۹	۵	۱۵-۱۰	
۱۹/۸	۴	۲۰-۱۵	
۱۸/۲	۳	۲۰ سال به بالا	
۱۰۰	۱۸	جمع	

در پاسخ به سؤال تحقیق، ۹ مضمون اصلی و ۳۷ مضمون فرعی در قالب یک مضمون هسته‌ای بدست آمد که در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۲): مضامین اصلی و فرعی مستخرج از ادراک و تحلیل اثرات
پیوندهای اجتماعی در بروز طلاق عاطفی

مضمون هسته ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
مسائل و مشکلات ایجاد شده طلاق عاطفی به طور مستقیم در مسائل و مشکلات اجتماعی جامعه انعکاس می یابد و به کاهش انسجام اجتماعی و افزایش آسیب اجتماعی منجر می شود	عدم شناخت کافی قبل از ازدواج	نداشتن سلامت اخلاقی
		عادات و رفتار های نامناسب
		نداشتن هدف مشخص در دوران آشنایی
		امید به تغییر دادن شخص مقابل
		سوال نپرسیدن از طرف مقابل
	میزان پایبندی به اعتقادات دینی	شرکت در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری
		بجای آوردن فرایض دینی (نماز و روزه)
		اعتقاد راسخ به خداوند و معصومین
		توجه داشتن به حجاب
	تعاملات عاطفی زوجین	مهارت های مدیریت مشکلات
توجه به نیازهای همسر		
احترام متقابل به حریم خصوصی		
پذیرش تغییر و رشد مشترک		
ارتباط و تعامل مؤثر		
توانایی در فراهم کردن حمایت و پشتیبانی		

یافتن راه های آرام سازی متناسب	میزان دخالت خانواده
یافتن منابع حمایتی جایگزین	
مشخص کردن مرزهای خانواده	
کوچک تر کردن دایره دخالت ها	
افزایش تنش در خانواده	اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی
عدم تعادل رفتاری در خانواده	
تهدید امنیت و سلامت فرزندان	
اختلال در فعالیت های جنسی	
غفلت و عدم توجه به خود	عدم شناخت مهارت های عشق ورزیدن
الگوهای زندگی والدین	
عدم تخلیه و برون ریزی احساسات سرکوب شده	
مشورت و هم فکری خانواده	نظم درون خانواده
احساس همدلی در خانواده	
همگامی اعضاء خانواده	
ارزش ها و آداب و رسوم متفاوت	تفاوت های فرهنگی
نحوه معاشرت با یکدیگر	
نحوه تربیت فرزندان	
پذیرش تفاوت ها	

بیکاری و نبود درآمد کافی	دغدغه‌های اقتصادی	
دشواری‌های مدیریت مالی ازدواج		
فقدان حمایت مالی		
دشواری اقتصادی خانواده در فراهم کردن مقدمات ازدواج فرزندان		

مضمون اصلی اول عدم شناخت کافی قبل از ازدواج است که پنج مضمون فرعی نداشتن سلامت اخلاقی، عادات و رفتارهای نامناسب، نداشتن هدف مشخص در دوران آشنایی، امید به تغییر دادن شخص مقابل، سوال نپرسیدن از طرف مقابل را در بر می‌گیرد.

دومین مضمون اصلی، میزان پایبندی به اعتقادات دینی است که در چهار مضمون فرعی شرکت در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری، بجای آوردن فرایض دینی (نماز و روزه)، اعتقاد راسخ به خداوند و معصومین، توجه داشتن به حجاب دسته بندی شده است.

تعاملات عاطفی زوجین به عنوان مضمون اصلی سوم دارای شش مضمون فرعی مهارت‌های مدیریت مشکلات، توجه به نیازهای همسر، احترام متقابل به حریم خصوصی، پذیرش تغییر و رشد مشترک، ارتباط و تعامل مؤثر، توانایی در فراهم کردن حمایت و پشتیبانی است.

مضمون اصلی چهارم میزان دخالت خانواده است که چهار مضمون یافتن راه‌های آرام سازی متناسب، یافتن منابع حمایتی جایگزین، مشخص کردن مرزهای خانواده، کوچک تر کردن دایره دخالت‌ها را در بر می‌گیرد.

مضمون اصلی پنجم اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی می‌باشد که از چهار مضمون فرعی افزایش تنش در خانواده، عدم تعادل رفتاری در خانواده، تهدید امنیت و سلامت فرزندان، اختلال در فعالیت‌های جنسی تشکیل شده است.

مضمون اصلی ششم عدم شناخت مهارت‌های عشق ورزیدن است که از سه مضمون فرعی غفلت و عدم توجه به خود، الگوهای زندگی والدین، عدم تخلیه و برون ریزی احساسات سرکوب شده تشکیل شده است.

نظم درون خانواده به عنوان مضمون اصلی هفتم، مضامین فرعی مشورت و هم فکری خانواده، احساس همدلی در خانواده، همگامی اعضای خانواده را در بر گرفته است.

مضمون اصلی هشتم تفاوت‌های فرهنگی است که دارای چهار مضمون فرعی ارزش‌ها و آداب و رسوم متفاوت، نحوه معاشرت با یکدیگر، نحوه تربیت فرزندان، پذیرش تفاوت‌ها می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده، یک واحد عاطفی و شبکه‌ای از روابط درهم‌تنیده است که با ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود. خانواده به لحاظ قدمت، ابتداییترین و از لحاظ گستردگی، جهانشمولترین نهاد اجتماعی است. خانواده، سنگ‌بنای جامعه بزرگ انسانی است و در استحکام روابط اجتماعی و رشد یکایک اعضای جامعه، نقش بنیادین دارد. به‌طور کلی نیاز به برقراری و حفظ پیوند و روابط نزدیک با دیگران، انگیزه اساسی و بنیادی بشر قلمداد می‌شود اما این احساس مثبت در بسیاری از موارد دستخوش تغییرات مختلفی می‌شود که نتایج عمده‌های بر جای می‌گذارد؛ این میزان به یک طلاق در هر سه ازدواج در سال ۱۴۰۲ رسیده است. کارشناسان بر این باورند که در فرآیند طلاق، طلاق رسمی پس از طلاق عاطفی صورت می‌گیرد. آمار رسمی طلاق، میزان شکست همسران را در زندگی زناشویی به‌طور کامل نشان نمی‌دهد؛ زیرا در کنار آن، آمار بزرگ‌تر به طلاق عاطفی اختصاص دارد که در هیچ کجا ثبت نشده است و اطلاعات دقیقی از آن وجود ندارد. براساس یک برآورد، میزان شیوع طلاق عاطفی در میان زوجین ایرانی ۴۰.۹ درصد گزارش شده است که بیانگر شیوع بالای آن در ایران است. با توجه به آمارهای اخیر و وخامت آن در بابل، شناسایی و اتخاذ فرآیندها و راهکارهایی الزام آور است که بتواند خانواده را در برابر این نوع آسیب‌ها و چالش‌ها محافظت کند. مطالعه حدیدی (۱۳۹۸) و همچنین فیروزجائیان، نائیج بند پی و دلیر (۱۴۰۳) نشان می‌دهند طلاق پدیده مذمومی است که بر سلول‌های جامعه، خانواده و از همه مهمتر بر پیکره اجتماع آسیب‌های جدی وارد کرده و اینکه حدود ۵۷ درصد زنان و

مردان در مازندران دچار طلاق عاطفی شده‌اند و روند تصاعدی این امر در استان مازندران رو به افزایش است و خطر بزرگی برای خانواده‌ها در این استان و نیز کشور را به همراه دارد و این امر ضرورت بررسی و پرداخت به این مسئله را در استان مازندران دوچندان می‌سازد.

۱. عدم شناخت کافی قبل از ازدواج

صدمات ناشی از ازدواج بدون شناخت می‌تواند ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین مشکلات را شامل شود. زیرا ازدواج بدون شناخت معمولاً با عدم تفاهم همراه است. ازدواج‌های بدون شناخت و تشکیل زندگی مشترک بدون زمینه‌آشنایی با تفاوت‌های اخلاقی و رفتاری همراه است. هنگامی که شناخت و آشنایی قبلی وجود نداشته باشد، تفاوت‌ها و عدم سازگاری اثرات مخربی را بر روی زندگی مشترک می‌گذارند. اختلاف در علایق، برنامه‌ها، روابط و تفریحات، برخورد‌های تنش‌آمیز با تفاوت‌ها و اختلاف نظر‌ها، بروز لجاجت و پافشاری در رفتار و یا اخلاق‌هایی که مورد پسند زوج مقابل نیست، کمبود از خودگذشتی و سازگاری با همدیگر از پیامدهای مختلف ازدواج بدون شناخت هستند. این نتایج با یافته‌های بشرپور، فریور و عبادی (۱۴۰۰) که نشان دادند صفات تاریک شخصیت ماکیاول‌گرایی، سایکوپاتی و خودشیفتگی اثر مثبت و معنی‌دار و عزت‌نفس جنسی اثر منفی و معنی‌دار بر طلاق عاطفی دارند. همچنین صفات تاریک شخصیت علاوه بر اثر مستقیم، به‌طور غیرمستقیم و از طریق میانجی‌گری عزت‌نفس جنسی نیز بر طلاق عاطفی اثرگذار است که با توجه به مقدار آماره شمول واریانس [۷] (VAF)، مشاهده شد که ۳۶.۵ درصد از تأثیر ماکیاول‌گرایی بر طلاق عاطفی، ۳۱.۷ درصد از تأثیر خودشیفتگی بر طلاق عاطفی و ۳۴.۵ درصد از تأثیر سایکوپاتی بر طلاق عاطفی از طریق عزت‌نفس جنسی می‌تواند تبیین شود. نتایج پژوهش آنها اهمیت مداخلات هدفمند معطوف به تغییر یا تعدیل صفات تاریک شخصیت و تقویت عزت‌نفس جنسی را برای پیشگیری یا کاهش طلاق عاطفی خاطرنشان می‌کرد. و با یافته‌های ارباب زاده، کاظمی پور و معینی (۱۴۰۱) که نشان دادند ۲۹ محرک بروز طلاق عاطفی میان زوجین تهرانی بود که در چهار بُعد مهارت زندگی، شخصیتی و رفتاری، اجتماعی و جامعه‌شناختی و زمینه‌ای، سازماندهی شدند که از نظر خبرگان از میان آنها بعد اجتماعی و جامعه‌شناختی با وزن ۰.۳۵ از بالاترین اهمیت برخوردار بود و سهم بیشتری را در طلاق عاطفی زوجین تهرانی داشت.

همچنین ملاحظه شد که در میان محرکهای طلاق عاطفی هریک از ابعاد، محرک «ضعف در مهارت ارتباط مؤثر» با وزن ۰.۰۵۴۸ از بعد مهارت زندگی، محرک «خیانت و روابط خارج از ازدواج» با وزن ۰.۰۴۸۲ از بعد رفتاری و شخصیتی، محرک «عدم کفویت و همسان همسری» با وزن ۰.۰۵۴۵ از بعد اجتماعی و جامعه شناختی و محرک «موقعیت اقتصادی فرد» با وزن ۰.۰۵۴۶ از بعد زمینه ای، بالاترین درجه اهمیت را به خود اختصاص دادند. همخوان و همسو می باشد.

۲. میزان پابندی به اعتقادات دینی

ما در کشوری زندگی می کنیم که پایه و اساس آن را دین و مذهب تشکیل داده است. پس دارا بودن باورهای مستحکم دینی و اسلامی تاثیر بسیار زیادی در این رابطه مهم دارد. بسیاری از محققین و مشاورین و روانشناسان سراسر جهان بر اساس تحقیقات میدانی خود متوجه شدند که افرادی که باورهای محکمتری در زندگی داشته اند، زندگیشان طولانی مدت و بدون مشکل بوده است. با توجه به بررسی این نتایج حتی روانشناسان غربی نیز به صراحت اعلام کرده اند که به طور قطع میان پایداری و استحکام بنیان خانواده و باورها و اعتقادات دینی ارتباط مستقیمی وجود دارد. بهتر است هر زن و مرد برای زندگی خود همسری از جنس خودشان انتخاب کنند. این نتایج با یافته‌های دهقانی تفتی، محمدی و حقیقتیان (۱۳۹۸) که نشان دادند طلاق عاطفی بر میزان رشد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیری نداشته و بر متغیر روابط نامناسب زناشویی (خیانت)، آسیب‌های اجتماعی، رضایت زناشویی و انزوای اجتماعی تأثیرگذار بوده است. و با یافته‌های ناصر (۱۴۰۰) که نشان داد در تعیین طلاق عاطفی از روی مجموع متغیرهای مستقل موجود، ضریب همبستگی چندگانه ($R=0.69$) و ضریب تعیین به دست آمده ($R^2=0.53$) یعنی از روی متغیرهای مستقل (فاصله‌ای) معنی دار موجود در مدل میتوان تا حدود ۵۳/۰ درصد واریانس طلاق عاطفی را تبیین کرد. همچنین با یافته‌های حسن (۲۰۲۲) که نشان داد طلاق عاطفی پایینی به نفع همسران و سازگاری روانشناختی بالایی به نفع شوهرها وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد در نمونه آماری مطالعه شده در سطح معنی‌داری ۵ درصد، تفاوت معنی‌داری در میانگین طلاق عاطفی درباره متغیرهای مدت ازدواج و سطح تحصیلات وجود ندارد. به علاوه، یافته‌های این پژوهش حاکی از وجود همبستگی منفی میان متغیرهای طلاق عاطفی و میزان سازگاری روانی بود. همخوان و همسو می باشد.

۳. تعاملات عاطفی زوجین

رابطه عاطفی بین زوجین در زندگی زناشویی، یکی از اساسی ترین ارتباطات انسانی است که به عنوان مبنای خانواده و زندگی اجتماعی تلقی می‌شود. این نوع رابطه بر پایه عشق، احترام، تعامل، و توافقات مشترک بنا می‌شود و تأثیرگذاری عمیق بر زندگی دو نفر و افراد اطراف آن‌ها دارد. یکی از ویژگی‌های مهم رابطه عاطفی در زندگی زناشویی، احساس عشق و امنیت در زندگی و برقرار طولانی مدت رابطه زناشویی با حرارت و شور است. احترام به عنوان یکی از ارکان اصلی روابط عاطفی، باعث می‌شود که هر دو نفر احساس شایستگی و توجه متقابل را داشته باشند. این نتایج با یافته‌های ناصر شریعتی (۲۰۲۲) که نشان داد در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین گروه کنترلی و آزمایشی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، آموزش ارتباط تصویری نقش درخور توجهی در افزایش انسجام، انعطاف‌پذیری خانواده و شادکامی زوجین داشت و با یافته‌های دامو و سنسی (۲۰۲۱) که نشان دادند چهار موقعیت شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری برای جدایی/طلاق قانونی عبارتند از: آغازگران، غیرآغازگران، آغازگران سخنگو و غیرآغازگران فعال. آنها دریافتند که در میان این چهار موقعیت، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در فرآیند طلاق عاطفی و احساساتی وجود دارد که در طلاق تجربه کرده‌اند که عبارتند از: ترس، تسکین، ناراحتی، عصبانیت، امید و رشد شخصی، راهبردهای مقابله و ازسرگیری زندگی عاشقانه همخوان و همسو می‌باشد.

۴. میزان دخالت خانواده

یکی از مشکلات متداول بین اغلب زوجین دخالت خانواده در ازدواج ایشان می‌باشد که یکی از عمده‌ترین دلایل دخالت خانواده در ازدواج، این است که والدین هنوز فرزند خود را آماده ازدواج نمی‌بینند چرا که ایشان فرضاً هنوز نمی‌تواند به خوبی برای زندگی اش تصمیم‌گیری کند، استقلال کافی را ندارد و.. که سبب می‌شود والدین نتوانند به صلاحیت فرزند خود برای ازدواج اطمینان کنند. این نتایج با یافته‌های صداقت و افراعی (۱۴۰۱) که نشان دادند طرح‌واره درمانی بر طلاق عاطفی مؤثر واقع شده است. با یافته‌های مشهدی عباسی و شجری (۱۴۰۲) که نشان دادند بین حمایت اجتماعی با تاب آوری پس از طلاق عاطفی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد؛ بدین معنا که بین حمایت روانی و اجتماعی، بر تاب آوری اختلال پس از طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.

و با یافته های رشید و همکاران (۲۰۲۱) که نشان داد طلاق عاطفی می تواند از طریق مؤلفه هایی چون خودکارآمدی و انتظارات بالای زناشویی پیش بینی شود. همخوان و همسو می باشد.

۵. اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی

یکی از مهمترین چالش ها در ازدواج با مرد معتاد، پابندی او به درمان و ترک اعتیاد است. عدم پابندی به درمان می تواند باعث عود اعتیاد و تأثیر منفی بر روابط خانوادگی شود. اعتیاد به مواد مخدر و الکل می تواند منجر به مشکلات مالی و اقتصادی شود. این مشکلات ممکن است بر زندگی مشترک زوجین تأثیر بگذارد. اعتیاد می تواند به خشونت، ناپایداری روحی و روابط نامناسب با دیگر اعضای خانواده منجر شود که این موضوع می تواند به زندگی زوجین آسیب برساند. ازدواج با فرد معتاد ممکن است تأثیرات روانی زیادی بر روابط، روحیات و عواطف داشته باشد. به عبارت دیگر، آموزش ارتباط تصویری نقش درخور توجهی در افزایش انسجام، انعطاف پذیری خانواده و شادکامی زوجین داشت و با یافته های دامو و سنسی (۲۰۲۱) که نشان دادند چهار موقعیت شرکت کنندگان در تصمیم گیری برای جدایی/طلاق قانونی عبارتند از: آغازگران، غیرآغازگران، آغازگران سخنگو و غیرآغازگران فعال آنها دریافتند که در میان این چهار موقعیت، شباهت ها و تفاوت هایی در فرآیند طلاق عاطفی و احساساتی وجود دارد که در طلاق تجربه کرده اند که عبارتند از: ترس، تسکین، ناراحتی، عصبانیت، امید و رشد شخصی، راهبردهای مقابله و ازسرگیری زندگی عاشقانه و با یافته های رشید و همکاران (۲۰۲۱) که نشان داد طلاق عاطفی می تواند از طریق مؤلفه هایی چون خود کارآمدی و انتظارات بالای زناشویی پیش بینی شود همخوان و همسو می باشد.

۶. عدم شناخت مهارت های عشق ورزیدن

تفاوت های شخصیتی، عدم وجود مهارت های عشق ورزیدن در حداقل یکی از دو نفر، ازدواج بدون آگاهی و شناخت خصوصاً در سنین پایین را از مهم ترین علل طلاق عاطفی است. وقتی که در بین زن و شوهر، صمیمیت رنگ می بازد، عشق و علاقه به حداقل می رسد، حالت تنفر شکل می گیرد، رابطه جنسی اهمیت خود را از دست می دهد، تعهد معنای خود را از دست می دهد، نگرانی و مراقبتی در رابطه با حال و روز طرف مقابل وجود ندارد و در کل مسیر زندگی زن و

شوهر مخالف یکدیگر می‌شود و در این صورت است که، می‌توانیم بگوییم که با طلاق عاطفی مواجه‌ایم. مهارت‌های قبل از ازدواج، پیش‌زمینه آغاز یک زندگی مشترک است. زندگی زناشویی همواره با پیچ و خم‌های زیادی روبه‌رو است. این مهارت‌ها باعث آرامش و خوشبختی در زندگی می‌شود. و با یافته‌های دامو و سنسی (۲۰۲۱) که نشان دادند چهار موقعیت شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری برای جدایی/طلاق قانونی عبارتند از: آغازگران، غیرآغازگران، آغازگران سخنگو و غیرآغازگران فعال آنها دریافتند که در میان این چهار موقعیت، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در فرآیند طلاق عاطفی و احساساتی وجود دارد که در طلاق تجربه کرده‌اند که عبارتند از: ترس، تسکین، ناراحتی، عصبانیت، امید و رشد شخصی، راهبردهای مقابله و ازسرگیری زندگی عاشقانه و با یافته‌های رشید و همکاران (۲۰۲۱) که نشان داد طلاق عاطفی می‌تواند از طریق مؤلفه‌هایی چون خود کار آمدی و انتظارات بالای زناشویی پیش‌بینی شود. همخوان و همسو می‌باشد.

۷. نظم درون خانواده

ازدواج بعنوان یکی از رویدادهای مهم و حیاتی در زندگی روزمره افراد جامعه می‌باشد و از جنبه‌های مختلف می‌توان آن را مورد بررسی قرار داد. یکی از این زوایا سن شروع و به اصطلاح وارد شدن به ازدواج است. ازدواج علاوه بر پاسخگویی به نیازهای جنسیتی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی او را نیز تنظیم می‌کند و بخاطر اهمیت و تأثیری که دارد، بعنوان هنجاری پذیرفته شده در تمامی کشورهای دنیا به حساب می‌آید. این نتایج با یافته‌های معروفی و همکاران (۱۴۰۰) که نشان دادند بین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به طلاق عاطفی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران رابطه معنی داری وجود دارد. و با یافته‌های ارباب زاده و همکاران (۱۴۰۱) که نشان دادند ۲۹ محرک بروز طلاق عاطفی میان زوجین تهرانی بود که در چهار بُعد مهارت زندگی، شخصیتی و رفتاری، اجتماعی و جامعه‌شناختی و زمینه‌ای، سازماندهی شدند که از نظر خبرگان از میان آنها بعد اجتماعی و جامعه‌شناختی با وزن ۰.۳۵ از بالاترین اهمیت برخوردار بود و سهم بیشتری را در طلاق عاطفی زوجین تهرانی داشت. همچنین ملاحظه شد که در میان محرکهای طلاق عاطفی هر یک از ابعاد، محرک «ضعف در مهارت ارتباط مؤثر» با وزن ۰.۰۵۴۸ از بعد مهارت زندگی، محرک «خیانت و روابط خارج از ازدواج» با وزن ۰.۰۴۸۲ از بعد

رفتاری و شخصیتی، محرک «عدم کفویت و همسان‌همسری» با وزن ۰.۰۵۴۵ از بعد اجتماعی و جامعه‌شناختی و محرک «موقعیت اقتصادی فرد» با وزن ۰.۰۵۴۶ از بعد زمینه‌ای، بالاترین درجه اهمیت را به خود اختصاص دادند. همخوان و همسو می‌باشد.

۸. تفاوت‌های فرهنگی

فرهنگ‌ها از طریق تعیین ارزش‌ها و قواعد خانواده و همچنین با شکل دادن به معانی و فرض‌های اساسی خانواده، اثرات بسیار عمیقی بر چگونگی ارتباطات همسران می‌گذارند، بنابراین دختر و پسر که از دو فرهنگ متفاوت در کنار هم قرار می‌گیرند طبعاً ریسک ازدواج بالا می‌رود. ازدواج با فردی که فرهنگ متفاوتی با ما دارد، مانند یک شمشیر دو لبه است. نتیجه کلی تحقیق نشان داد طرح‌واره درمانی بر کاهش طلاق عاطفی در زنان دارای همسر نظامی تأثیر دارد. همچنین، طرح‌واره درمانی می‌تواند در کاهش طلاق عاطفی در زنان متأهل دارای همسر نظامی مؤثر باشد و یک روش انتخابی برای بهبود تعارضات در این افراد محسوب شود. و با یافته‌های مشهدی عباسی و شجری (۱۴۰۲) که نشان دادند بین حمایت اجتماعی با تاب‌آوری پس از طلاق عاطفی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد؛ بدین معنا که بین حمایت روانی و اجتماعی، بر تاب‌آوری اختلال پس از طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد. و با یافته‌های ممتازی (۱۴۰۱) که نشان داد بهزیستی اخلاقی با کاهش تعارضات زناشویی و طلاق عاطفی همخوان و همسو می‌باشد.

۹. دغدغه‌های اقتصادی

در شرایط فعلی جامعه، ازدواج به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی مطرح است. مشکلات اقتصادی همواره در زندگی، گریبان‌گیر خانواده‌ها به ویژه زوج‌های جوان بوده و می‌تواند عامل اختلاف در زندگی گردد. مشکلات و مسائل اقتصادی که بر سر راه جوانان وجود دارد به حدی زیاد است که جوانان را بر سر یک دو راهی قرار می‌دهد. یا باید قید ازدواج را بزنند و یا تلاش‌های سختی انجام دهند که به نتیجه برسند. جوان زمانی ازدواج می‌کند که از آینده مالی و وضعیت اقتصادی خود مطمئن باشد، در غیر این صورت ازدواج برای او سخت خواهد بود. فرار جوانان از ازدواج بدلیل ترس از عدم تامین زندگی مشترک و مشکلات مالی است.. این نتایج با یافته‌های دهقانی تفتی و همکاران (۱۳۹۸) که نشان دادند

طلاق عاطفی بر میزان رشد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیری نداشته و بر متغیر روابط نامناسب زناشویی (خیانت)، آسیب‌های اجتماعی، رضایت زناشویی و انزوای اجتماعی تأثیرگذار بوده است. و با یافته‌های ناصر (۱۴۰۰) که نشان داد در تعیین طلاق عاطفی از روی مجموع متغیرهای مستقل موجود، ضریب همبستگی چندگانه ($R=۰/۶۹$) و ضریب تعیین به دست آمده ($R^2=۰/۵۳$) یعنی از روی متغیرهای مستقل (فاصله ای) معنی دار موجود در مدل میتوان تا حدود ۵۳/۰ درصد واریانس طلاق عاطفی را تبیین کرد. نتایج پژوهش نشان دادند که بین متغیرهای پایبندی به اعتقادات دینی، نظم درون خانواده، سرمایه اجتماعی درون خانواده، شناخت زوجین از یکدیگر و سلامت روانی، با طلاق عاطفی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. و همچنین با یافته‌های حسن (۲۰۲۲) که نشان داد طلاق عاطفی پایینی به نفع همسران و سازگاری روانشناختی بالایی به نفع شوهرها وجود دارد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که دولت، مسئولان، صاحبان رسانه و سیاست‌گذاران فعال در حوزه خانواده، در مسیر پیشگیری و کاهش بروز طلاق عاطفی میان زوجین، ضمن ترویج فرهنگ سالم زندگی اسلامی ایرانی، افزایش دانش رسانه‌ای زوجین، مدیریت و فیلترینگ هوشمند پایگاه‌هایی که بستر ترویج ارتباطات ناسالم و افسارگسیخته را فراهم می‌کنند، حمایت‌های مادی و معنوی لازم را از زوجین فراهم کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود که در مشاوره‌های پیش از ازدواج به بررسی بلوغ عاطفی، خصوصیات شخصیتی و پنداشت‌های فراشناختی در ازدواج، به‌منظور پیشگیری از گرایش به طلاق عاطفی و بهبود کیفیت روابط زناشویی به‌طور ویژه توجه شود. به‌علاوه، پیشنهاد می‌شود به زوجینی که با مشکل طلاق عاطفی مواجه‌اند یا متقاضی طلاق‌اند، آموزش‌های غلبه بر پنداشت‌های فراشناختی ارائه شود و رشد مهارت‌های شناختی-عاطفی و بلوغ عاطفی آنها تقویت یابد. در پایان می‌توان اشاره داشت که طلاق عاطفی پیامدهای مختلفی را برای خانواده‌ها به همراه دارد؛ بنابراین اتخاذ راهبردهای مقابله با آن نیز متفاوت است و لازم است در درمان طلاق عاطفی به آن توجه شود.

منابع

۱. ارباب زاده، پروین، کاظمی پور، شهلا، معینی، سید رضا. (۱۴۰۱). شناسایی و ارزیابی محرک های بروز طلاق عاطفی در میان زوجین تهرانی از دیدگاه متخصصان با رویکرد تصمیم‌گیری چندمعیاره گروهی، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، ۳۳(۴)، ۱۴۵-۱۷۸.
۲. بابایی فرد، اسداله، صنعتکار، احسان. (۱۴۰۲). عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی همسران در شهر کاشان. فصلنامه زن و مطالعات خانواده، ۶۰، ۷-۳۶.
۳. بشارت قراملکی، رباب؛ حسینی نسب، داود، پناه علی، امیر. (۱۴۰۲). اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر واقعیت درمانی به شیوه گروهی بر سازگاری زناشویی، تمایز یافتگی عاطفی و صمیمیت زوجین دارای طلاق عاطفی. فصلنامه پژوهش های نوین روانشناختی، (۷۲)، ۶۱-۷۰.
۴. بشرپور، سجاد، فریور، مهران، عبادی، متینه. (۱۴۰۰). «مدل‌یابی علی طلاق عاطفی در زنان براساس صفات تاریک شخصیت: با نقش میانجی عزت نفس جنسی». فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ۹(۲۰)، ۲۹-۵۰.
۵. جلیلی، گلاره، یاراحمدی، یحیی، زندگی، فرزاد. (۱۴۰۲). مقایسه اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر مدل علی گرایش به طلاق عاطفی و طرح‌واره درمانی بر نشاط زناشویی. فصلنامه مطالعات اسلامی ایرانی خانواده، ۳(۲)، ۱-۱۸.
۶. حدیدی، معصومه. (۱۳۹۸). ارزیابی عوامل اجتماعی، زمینه ساز طلاق عاطفی و ارائه استراتژی های مناسب جهت کاهش میزان طلاق عاطفی. نشریه علمی دانش انتظامی مازندران، ۱۰(۳۶)، ۱۰-۳۶.
۷. حسن زاده پلکویی، شهربانو، صالحی، کیوان (۱۳۹۶). تحلیل پدیدارشناسانه چالش‌های ناشی از افت استرس مولد تحصیلی در نظام ارزشیابی توصیفی کیفی. فصلنامه مطالعات اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی، ۷(۲۰)، ۱۹۱-۱۵۱.
۸. حسینی، سیده مریم. (۱۴۰۲). رابطه بین الگوهای ارتباطی زوجین و آگاهی جنسی با طلاق عاطفی در بین دانشجویان متاهل دانشگاه حکیم نظامی قوچان. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره)، (۴۸)، ۳۹۸-۴۱۴.

۹. خواجه نوری، بیژن، نقشبندی، شیما. (۱۴۰۲). مقایسه اجتماعی، طلاق عاطفی و نقش رسانه‌ها در میان زنان متأهل شهر شیراز و دلالت‌های آن بر دوام خانواده. فصلنامه تداوم و تغییر اجتماعی، (۳)، ۲۴-۷.
۱۰. دهقانی تفتی، زهرا، محمدی، اصغر، حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۸). بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی طلاق عاطفی زنان شهر تهران طی سال‌های ۹۶-۹۷ براساس معادلات ساختاری. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۸(۱)، ۹۷-۱۱۵.
۱۱. رمضانی‌فر، حدیثه، کلدی، علیرضا، قدیمی، بهرام. (۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن». فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۹(۲)، ۱۶۷-۱۹۱.
۱۲. صارمی، سمیه. (۱۴۰۲). رابطه علی بین طلاق عاطفی و سبک‌های هویتی با میانجی‌گری الگوهای ارتباطی زناشویی گاتمن (مطالعه موردی: جنوب شهر تهران). فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی در هزاره سوم، (۲۴)، ۷۶۷-۷۸۶.
۱۳. صالحی، کیوان؛ بازرگان، عباس؛ صادقی، ناهید؛ شکوهی یکتا، محسن (۱۳۹۴)، بازنمایی ادراکات و تجارب زیسته معلمان از آسیب‌های احتمالی ناشی از اجرای برنامه ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۹(۳۱)، ۶۸-۱۹.
۱۴. صداقت، مستوره، افراعی، رویا. (۱۴۰۱). اثربخشی طرح‌واره درمانی بر کاهش طلاق عاطفی زنان دارای همسر نظامی». فصلنامه روانشناسی نظامی، ۱۳(۴۱)، ۱۶۴-۱۴۷.
۱۵. فلاح تفتی، نسیم. (۱۴۰۲). نقش واسطه‌ای بلوغ عاطفی در رابطه بین ذهن آگاهی و طلاق عاطفی در بین زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر یزد. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران)، ۹(۱)، ۶۸۳-۶۹۲.
۱۶. فیروزجاییان، علی اصغر، ریاحی، محمداسماعیل، محمدی دوست، منصوره. (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی طلاق عاطفی در میان زوجین شهر نوشهر. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۵(۳)، ۳۵-۵۹.

۱۷. کرابی، امین؛ خالقی، محمد، شهبازی، مسعود. (۱۴۰۰). شناسایی علل طلاق زنان فاقد فرزند (مرحله ابتدایی چرخه زندگی زناشویی). فصلنامه زن و جامعه، (۲)، ۱۷۷-۱۸۹.
۱۸. مشهدی عباسی، سید مجید، شجری، نگین. (۱۴۰۲). رابطه حمایت اجتماعی بر تاب آوری طلاق عاطفی زوجین. هفتمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی.
۱۹. مصدق، هانیه؛ پارساکیا، کامدین، دربانی، سیدعلی. (۱۴۰۲). نقش واسطه‌ای رضایت جنسی در رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی و طلاق عاطفی در مردان. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۱۴(۴)، ۱۹۱-۲۰۲.
۲۰. مصلائی راد، سارا؛ ملکیان، نازنین، بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی در زوجین استان البرز فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هفدهم، شماره یکم، بهار ۱۴۰۲، ۸۱-۱۰۲.
۲۱. معروفی، بنفشه، رحیمی، محمد، فتحی، لیلا، افراسیابی، فاطمه. (۱۴۰۰). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به طلاق عاطفی مورد مطالعه: زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران، فصلنامه زن و جامعه، (۴۵)، ۱۷۹-۱۹۴.
۲۲. ممتازی، مهبان. (۱۴۰۱). رابطه بهزیستی اخلاقی با کاهش تعارضات زناشویی و طلاق عاطفی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۷(۴)، ۹۷-۱۰۲.
۲۳. ناصر، شهربانو. (۱۴۰۰). ارزیابی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی و فرهنگی اثرگذار بر بروز طلاق عاطفی (مطالعه موردی: شهر کرج)، چهارمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی، حقوق و فرهنگ عامه، تهران.
۲۴. ناظمی زند، نیکتا، خلعتبری، جواد؛ رحمانی، محمد علی، قربان شیرودی، شهره. (۱۴۰۲). اثربخشی بسته آموزشی فراتشخیصی مبتنی بر درمان شناختی رفتاری، طرحواره‌درمانی و معنادرمانی بر تعارضات زناشویی زنان درگیر طلاق عاطفی. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۱۴(۴)، ۱۰۳-۱۱۹.

۲۵. نائیج بند پی، عین الله، دلیر، اسمعیل. (۱۴۰۳). بررسی طراحی ساخت عوامل موثر بر طلاق در شهر نوشهر با استفاده از تحلیل عاملی. فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، ۶(۴)، ۲۰۹-۲۲۶.
۲۶. همت جو، المیرا. (۱۴۰۳). بررسی تاثیر زوج درمانی هیجان مدار بر نشخوار فکری مشترک و سبک های دلبستگی زناشویی در زوجین مبتلا به طلاق عاطفی با پایداری ازدواج بالا در شهر مراغه. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره)، ۷۲، ۱۱۳-۱۳۱.
۲۷. Beigi, M., & Hosseini, H. (2021). Generational difference in attitudes towards divorce in Iran: the application of the multi-level model, *Strategic Studies of Iran's Social*, (34), 27-44.
۲۸. Brown, N., McIlwraith, T., & Gonzalez, L. T. (2020). *Perspective: An Open Introduction to Cultural Anthropology*, American Anthropological Association, 2nd Edition.
۲۹. Damo, D. D., and Cenci, C. M. B. (2021). Emotional Divorce: Similarities and Differences According to the Position Occupied. *Trends in Psychology*, 29(3), 505-518.
۳۰. Hasan, K. A. I. (2022). Emotional divorce and its relationship to psychological adjustment among a sample of couples in Ramallah and Al-Bireh Governorate (Doctoral dissertation, Al-Quds Open University). <https://osol.qou.edu/handle/194/2734>.
۳۱. Hewitt, B. & Churchill, B. (2020). Convergence and difference: Marriage and family life from a cross-cultural perspective *Cross-Cultural Family Research and Practice*, 57-102.
۳۲. Mallory, A. B. (2022). Dimensions of couples' sexual communication, relationship satisfaction, and sexual satisfaction: a meta analysis. *Journal of Family Psychology*; 36(3), 358-71.
۳۳. Nasershariati, M. (2022). The Effectiveness of Image Relationship Therapy on Cohesion-Family Flexibility and Happiness of Couples with Emotional Divorce. *Human Relations Studies*, 2(4), 22-31.
۳۴. Nurjanah, A. S. & Sanyata, S. (2020). The Effectiveness of Reality Therapy in Improving Learning Motivation and Discipline. *Jurnal Bimbingan dan Konseling* 9(2), 87-91

- Parsakia, K., Rostami, M., & Saadati, S. M. (2023). The .۳۵
Relationship between Emotional Intelligence and
Marital Conflicts Using Actor-Partner Interdependence
Model. *Journal of Psychosociological Research in
Family and Culture*, 1(1), 23-28.
- Rashid, Kh., Hassanvand, F., Nabizadeh, S., & Rashti, .۳۶
A. (2018). Examining external factors affecting
emotional divorce among women. *Women and Family
Studies*, 7(1), 117-137